

داستان‌های شنبه

جمال میرصادقی

و ...

گیتی رجب زاده
عشرت رحمان پور
محمد میرصفا
انسیه ملکان
مریم نوایی نژاد
تکتم توسلی
علی رضا اقتداری
هدیه کیابی
شیرا هادی زاده رئیسی
پویان توفیقی ثابت قدم
زهره واعظیان
فروزان عدمی
سونای نجاتی
رویای شاملو
روزبه الهی
گلناز اطهاری
کاوه فولادی نسب
آتوسا زرنگارزاده شیرازی

مهیار تازه
عسل مقدم
مونا میلانی
بهناز مروستی
فریده نجم آبادی
سحر علایی
لیلا لطفی
مرضیه ابراهیمی یزدی
مونا فولادی نسب
سحر صرامی
بهاره کیابی
شهلا پارسایی
مهناز رضوانفرد
مریم ابراهیمی
آزاده بهارستانی
سهیل غفوری
ترانه صادقیان
نیوشا ویلیانی
جمال میرصادقی

پیش‌گفتار

اولین بار در سال ۱۳۷۷ در پیش‌گفتار مجموعه «داستان یکشنبه‌ها» نوشتم و در سال ۱۳۸۳ در کتاب «شناخت داستان» تکرار کردم که داستان‌نویسی نیازی به استعداد و قریحه ندارد یا دست‌کم در مرحله‌های نخستین و شکل‌گیری، استعداد هیچ نقشی در ارائه خلاقیت فرد بازی نمی‌کند و هر کسی می‌تواند داستان‌نویس شود. مشروط بر آنکه خواننده داستان را دوست داشته باشد و از آن لذت ببرد. در آن مقاله که تحت عنوان «تأملاتی در باب داستان» در کتاب «شناخت داستان» آمده، بر این نکته تأکید کردم:

«اصولاً بیش از نیم‌قرن است که دریافته‌اند داستان‌نویسی را می‌توان آموخت، همان‌طور که طراحی و نقاشی و چیزهای دیگر را، در کشورهایی که به داشتن شاهکارهای ادبی شهرت دارند، داستان‌نویسی به عنوان نگارش خلاقه^۱ در برنامه درس‌های کالج‌ها و

دانشکده‌ها گنجینه شده است و دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند مبنای و ضوابط آن را بیاموزند و این ضوابط بر اساس اصول بنیادی است که از آثار ادبی جاه‌دان جهان، استنتاج و استخراج شده است و بر پایه آن‌ها کتاب‌هایی دربارهٔ ویژگی‌ها و مبنای نظری و عملی داستان‌نویسی نگارش یافته است.^۱

اما حیرت می‌کنم که چرا در ایران، این واقعیت مسلم را اغلب انکار می‌کنند و گاه‌گاه مقاله‌هایی به طنز یا جد در مطبوعات چاپ می‌شود که به کلی منکر آموزش دادن داستان می‌شوند و باز همان ذهنیت نادرست و خرافه‌شایع را بازتاب می‌دهند که نوشتن داستان را نمی‌توان آموخت و استعداد داستان‌نویسی موهبتی است که به هر کس داده نشده است و بعضی از این موهبت برخوردارند و بعضی نه، بی‌آنکه مشخص کنند آن‌هایی که از این موهبت برخوردارند، چه کسانی هستند چه خصوصیت‌هایی باید داشته باشند. چرا در جاهای دیگری که در قلمرو ادبیات داستانی پرآوازه‌اند، افراد از این موهبت برخوردارند و ما نیستیم؟

در کشورهای که شاهکارهای معتبر و جهانی در آنجا به وجود می‌آید، قائل به این جدایی میان افراد نیستند و هر کس می‌تواند در کلاس‌های داستان‌نویسی شرکت کند و هر دانشکده دوره‌هایی برای تدریس نگارش خلاقه دارد و به افرادی که این دوره‌ها را بگذرانند، مدرک معتبر دانشگاهی داده می‌شود، مثلاً در دانشگاه UCLA در لوس‌آنجلس چنین دوره‌هایی برای افراد علاقه‌مند وجود دارد و به

فارغ‌التحصیلان آن مدرک داده می‌شود؛ حتی در بعضی از دانشکده‌ها، کلاس‌های فشرده‌ای برای اشخاص شاغل و گرفتار وجود دارد که در روزهای تعطیل آخر هفته، شنبه و یکشنبه برگزار می‌شود، مثلاً در دانشگاه شیکاگو، علاقمندان درس خود را در صبح شنبه آغاز می‌کنند و وقتی برای ناهار خوردن به آن‌ها داده می‌شود و بعد دوباره کلاس‌ها شروع می‌شود و تا شب ادامه می‌یابد. شب هم اگر جایی برای خوابیدن نداشته باشند، در آنجا می‌خوابند و صبح یکشنبه تا شب سر کلاس حاضر می‌شوند و شب به شهرها و ایالت‌های خود باز می‌گردند و بعد از اتمام دوره از آن‌ها امتحان به عمل می‌آورند و به آن‌ها مدرک می‌دهند.

حاصل این کلاس‌ها و دوره‌های آموزش داستان‌نویسی، کتاب‌های متنوع و تازه‌ای است که هر سال درباره فنون و اصول داستان‌نویسی نوشته می‌شود و انتشار می‌یابد. در امریکا به کتابی برخوردارم که با سیزده نفر از مدرس‌های داستان‌نویسی مصاحبه شده بود. این کتاب را با خودم به ایران آوردم و به دوستی داده‌ام که آن را ترجمه کند.

ما این واقعیت‌ها را نمی‌خواهیم ببینیم و قبول کنیم و باز همان ذهنیت‌های غلط را پیش می‌کشیم که نویسندگی موهبتی است الهی و هر کس نمی‌تواند به آن دسترسی پیدا کند. دست‌اندرکاران و آموزش‌دهنده‌های داستان‌نویسی را به فرصت‌طلبان و سوءاستفاده‌چی‌ها حتی کلاس‌ها متهم می‌کنیم و اغلب چنین پیش‌فرضی را قائل می‌شویم که آن‌ها چون خودشان نویسنده‌های شاخصی نیستند یا در قلمرو داستان از خود چیزی معتبری به جا

نگذاشته‌اند، نمی‌توانند داستان‌نویس پرورش بدهند.

البته در همه‌جا از این افراد سودجو وجود دارد که از آب گل آلود ماهی می‌گیرند، اما همه مدرس‌ها و آموزگاران این راه را نمی‌توان با یک چوب راند و همه را به فرصت‌طلبی و سودجویی متهم کرد و خط بطلان به یادگیری داستان‌نویسی کشید.

گذشته از این، کی گفته همه آموزگاران داستان‌نویسی باید خودشان نویسنده‌های شاخصی باشند و آثار دندان‌گیری از خود به جا گذاشته باشند. استاد نویسنده شاخص و نام‌آوری چون جی.دی. سلینجر چه کسی بوده است؟ کجا از او نام برده شده است؟ تنها در شرح احوال سلینجر گفته می‌شود که دوره داستان‌نویسی را در دانشکده کامبیا گذرانده است. با استاد تکی مدرسی و خاندانش آن‌تایلر^۱ نویسنده نام‌آور معاصر امریکا کیست؟

می‌توان از بسیاری از نویسنده‌های معتبر دنیا نام برد که دوره داستان‌نویسی را گذرانده‌اند، اما هیچ‌نامی از استاد‌های داستان‌نویسی آن‌ها در میان نیست، نویسنده‌های معتبری که در امریکا و انگلیس، دوره‌های داستان‌نویسی را گذرانده‌اند، مثل نویسنده انگلیسی ژاپنی تبار کازوئو ایشی گورو، صاحب کتاب «بازمانده روز» و ریمنولد کارور نویسنده آمریکایی که استادش جان گاردنر، شوهرش هم داستان‌نویس معروفی بوده است، اما شهرت شاگردش، جهانی شده است.

در مقاله‌های انکارگذاشته اغلب گفته می‌شود که این کتاب‌های

داستان‌نویسی تاکنون در ایران نویسنده خوبی پرورش نداده است. این نظر هم چون نظرهای دیگرشان یا از عدم آگاهی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد یا از روی بغض و غرض‌ورزی است. در دهه دوم بعد از انقلاب بسیاری از همین پرورش‌دیدگان این کلاس‌ها، برنده جایزه‌هایی شده‌اند و بعضی از آن‌ها به خصوص نویسنده‌های زن، به کرات این جایزه‌ها را دریافت کرده‌اند و جزو نویسنده‌های شناخته شده معاصر هستند و می‌توان فهرستی از این نویسنده‌ها ارائه کرد.

دیگر اینکه دوره‌های داستان‌نویسی، تنها به این منظور برگزار نمی‌شود که فرد حتماً و قطعاً در آینده داستان‌نویس بشود. بسیاری تنها در این دوره‌ها شرکت می‌کنند تا قدرت خلاقیت و ابداع خود را پرورش دهند. در امریکا چنین دوره‌هایی بسیار تشکیل می‌شود و کتاب‌هایی دربارهٔ تقویت خلاقیت و ابداع انتشار می‌یابد، از جمله آن‌ها، کتابی است که به فارسی نیز ترجمه شده و نویسندهٔ آن دکتر الکس اس. اسبورن است. کتابی با نام «پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت» در بیست و شش فصل و ۲۰۸ صفحه، در فصل پنجم این کتاب: «روش‌های پرورش خلاقیت» می‌خوانیم:

«بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که در ایالات متحده در حدود ۲۵۰۰۰۰۰ نفر کوشش نویسندگی را حرفهٔ خلاق قرار دهند. بسیاری از آنان که انتظار موفقیت بیش از حد سریعی را دارند، از گردونه خارج خواهند شد. یعنی سبب شده کنار خواهند رفت. لیکن عدهٔ زیادی طبق گفته سردبیر مجله «رایتر» در دراز مدت موفق خواهند بود. وی چنین ارزیابی می‌کند که «در مقابل هر فردی که در نویسندگی موفق شده، شهرت یافته، درآمد قابل توجهی کسب

می‌کند، حداقل ۳۰ یا ۴۰ نفر هستند که درآمدهای مناسبی داشته‌اند یا با چند ساعتی کار در روز، درآمد خویش را تکمیل می‌کنند.^۱ چند سطر بعدتر به این موضوع که هر کس می‌تواند داستان‌نویس شود، اشاره می‌رود.

«یک مهندس صنایع که هرگز نویسندگی نکرده بود، در دانشگاه بافالو امریکا، یک دوره آموزشی در خلاقیت گذراند. مربی وی از او خواست که داستانی برای کودکان بنویسد. وی داستانی نوشت که برای هر کودکی لذت‌بخش بود. این می‌تواند نشانه آن باشد که همه ما در خود استعداد نویسندگی داریم حتی اگر به نویسندگی مبادرت نکرده و فکر کرده‌ایم که هرگز قادر به این کار نخواهیم بود.»^۲

دیگر روزگاری که نویسنده‌ها با نوشتن خودبه‌خودی تجربه نویسندگی می‌آموختند، گذشته است. من خود یکی از این دسته نویسنده‌ها هستم و حالا که برمی‌گردم و به مناسبتی داستان‌های سال‌های نخستین خود را می‌خوانم، می‌بینم شناختی که هم‌اکنون از داستان دارم اگر آن وقت داشتم داستان‌های بهتری می‌نوشتم.

در کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی می‌توان قدرت تصور را پرورش داد و خلاقیت ذهن را تقویت کرد.

«بعضی از متخصصین خلاقیت تأکید دارند که تمرین نویسندگی جزء لاینفک هر کوشش واقعی برای بهره‌وری مغزی است.»^۳

در کلاس‌های داستان‌نویسی دو هدف دنبال می‌شود:

۱. دکتر الکس اس. اسپرون: پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه دکتر حسن

قاسم‌زاده، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۱، ص ۴۴. ۲. همان کتاب صص ۴۵ - ۴۴.

۳. همان کتاب صص ۴۵ - ۴۴.

یک: پرورش ذهن در بُعدهای مختلف و گوناگون.

دو: تبدیل آن بُعدها به نوشته.

در مرحله اول می‌اندیشیم و تصور و تخیل می‌کنیم و در مرحله دوم آن را به قالب کلمات در می‌آوریم، بنابراین داستان تصویری است عینی از چشم‌انداز و برداشت و جهان‌بینی نویسنده از زندگی و هستی.

«داستان‌های شنبه» پنجمین مجموعه‌ای است از این دست که انتشار می‌یابد. پیش از این مجموعه «داستان‌های پنجشنبه»، «داستان‌های یکشنبه»، «داستان‌های چهارشنبه»، «داستان‌های دوشنبه» منتشر شده است و مورد استقبال قرار گرفته است. زیرا داستان‌نویس‌های این مجموعه‌ها کوشیده بودند داستان به معنای جهانی آن بنویسند، منظور از داستان‌های جهانی، آن نوع نوشته‌ای است که امروزه در جهان به عنوان آثار خلاقه شناخته می‌شود و با گذشت زمان و تغییر ذهنیت و نگاه انسان به درون و بیرون خود، دگرگونی‌هایی پذیرفته است و دگرگونی‌هایی نیز خواهد پذیرفت و انواع تازه و بدیعی از آن آفریده خواهد شد.

به نظر من این دگرگونی در همین فاصله زمانی ده - دوازده ساله میان نخستین مجموعه، «داستان‌های پنجشنبه» با مجموعه‌های دیگر بعد از آن نیز دیده می‌شود و انواع داستان با کیفیت مکتب‌های مختلف و با زاویه‌دیدها و شیوه‌ها و روایت‌های نگارش گوناگون در آن‌ها جمع آمده‌اند و انواع تازه و بدیعی به آن‌ها اضافه شده‌اند.

در مجموعه‌های پیشین، از روش و ترتیب گردآوری و تنظیم این

داستان‌ها صحبت کرده‌ام و در اینجا دیگر نیازی به تکرار آن‌ها نمی‌بینم.

امیدوارم هنوز عمری در پیش باشد تا چرخه روزهای هفته را در این مجموعه‌ها کامل کنم و «داستان‌های سه‌شنبه» و «داستان‌های جمعه» نیز منتشر شود. در پایان، آرزویی که در پیش‌گفتار اولین مجموعه برای داستان‌نویس‌ها داشته‌ام، تکرار می‌کنم:

«من از یکی یکی نویسندگان این مجموعه، پشتکار و همتی نیرومند، همراه با شکیبایی بسیار انتظار دارم، چون راه دراز و دشواری را در پیش گرفته‌اند که در زندگی آن‌ها سرنوشت‌ساز است. برای همه آن‌ها.

در پایان از خانم عشرت رحمان‌پور که رحمت بازخوانی و تصحیح این کتاب را بر عهده گرفتند، سپاسگزارم و از ته دل آرزوی موفقیت برای همه نویسندگان این مجموعه می‌کنم.»

جمال میرصادقی

دی‌ماه ۱۳۸۷

دست‌آورد های ششمین

30book



نشر اشاره

ISBN : 978-964-8936-42-1

